

بیاورد و در دسترس بماند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

نسخه نفحات الانس از روزگار جامی

اخیراً کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد یک نسخه خطی «نفحات الانس من حضرات القدس» تألیف مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ هـ) خریداری کرده است که دو خصوصیت بسیار مهم دارد: اولاً: از روی نسخه‌ای نقل و مقایسه شده که بخط مصنف (جامی) بوده است. ثانیاً: در جای حاشیه‌ای بخط جامی دارد.

کاتب و تاریخ کتابت

ما اینجا عین ترقیمه را نقل می‌کنیم:

«نقلت هذه النسخة من نسخة بخط المصنف سلمه الله و قوبلت ايضاً معها والحمد لله على التوفيق والصلوة والسلام على نبيه الهادي الى سواء الطريق و اصحابه الفايزين بفضلہ التحقيق و سلم تسليمًا كثيرًا ايما اللهم اغفر لصاحبها و كاتبها العبد المذنب الراجي الى رحمة ربه المعطى سيف الله بن محمد الخلوئي في شهر شعبان سنة ثلث و ثمانين و ثمانمائة ٨٨٣».

خود نفحات الانس در ۸۸۳ هـ تألیف شده است چنانکه جامی در آخر آن گفته است:

این نسخه مقتبس از انفس کسرام
کز وی نفحات انست آید بمشام
از هجرت خیر بشر و فخر انام
در هشتصد و هشتاد و سیم گشت تمام

از تاریخ کتابت نسخه فوق‌الذکر این نکته نیز بدست می‌آید که نفحات الانس پس از ماه محرم و پیش از ماه شعبان سال ۸۸۳ هـ تألیف شده بود. ما قبلاً فقط از سال تألیف (۸۸۳ هـ) آن اطلاع می‌داشتیم.

در تحریر ترقیمه کلمه «الخلوئی» (نسبت کاتب) بدون نقطه‌ها «الخلوئی» آمده است و من آنرا «الخلوئی» خوانده‌ام و استاد خلیل‌الله خلیلی دانشمند معاصر افغانستان و هرات‌شناس نیز این کلمه را تأیید کرده و به من گفته‌اند که خلوتیان در هرات بوده‌اند.

حاشیه‌ای بخط جامی

در صفحه ۲۴۸ نسخه آنجا که شرح احوال خواجه علاء‌الدین عطار آمده و در



حاجت بس قوت این طروف عذراست چون نمی تکی می ظاهر کند هم بر عذراست
 لیز ایند پس چون آن زن این نصرت بگردد در حال بی غالی چند تا کتدم و بنفاد
 که این طروف بگردد. شد و آن زن از اولیاء خدای تعالی بود
 تا نام رسد و با ختام الحامید کتاب نجات الانی من حضرات المقدس
 که می بود از آن شرح اخلاق و افعال و بیان معانیات و احوالکم روانی
 بود که بنام صدق راه بادیه طلب را اسیرد. اند و بد و کام خطرتین و نه و
 بی کتب مطبوعه بوده. مورد اخلاق آبی شده. اند و مظهر آما نامتایکت
 حکمت در ایجاد عالم وجود ایشانست و مقصود از اظهار بنین و بیات
 نام مقام کف و شهود ایشان

خدا قوی که دید حق بود دیدارشان
 محو باشد در شهود سید عیب اسرارشان
 هلد در کهنه فنا از سستی خود خستند
 لیک بیدارند خواب آلودگان بیدارشان
 که هر بنیاید خوب شد حال خود بکل
 مشرف و مغرب گرفته بر توانی و ترشان
 دخیته با آن عوفا از حساب کرمت
 شده نقش حرف غیر از صف بیدارشان
 انخد اخواهند ستر ذات خود دردا
 این بود ساعت باعت بر استغفارشان
 هر چه با خود ارسودای دل دارها
 ز آتش شوق و محبت کرمی آزارشان
 بکنم اند طرف در و دیوارشان کسین
 صد کتایش از در و صد نشی از دیوارشان
 بازمان بر سر ذات و صف عمل خویش
 ای خدا چه بود که جای آنی در کارشان

این سخن منقسی زانفاس کلام
 از جوت خیر بشر و غیر نام
 کزوی نجات آید بنام
 در مقصود و بنام و سیم کت نام

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله على الامم والصلوة
 على خير الانام و آله اليزه الكرام
 والحيات سلام
 الفرض على المؤمن ان يحسن
 الكلام في حق الله ورسوله
 و ان لا يفتري على الله شيئا
 و ان لا يفتري على رسوله شيئا
 و ان لا يفتري على الله ورسوله
 و ان لا يفتري على الله ورسوله
 و ان لا يفتري على الله ورسوله

ضمن آن ذکر شیخ زین‌الدین علی کلا رفته است، جامی به حاشیه رفته و این توضیح را داده است:

«شیخ زین‌الدین علی کلا از مشایخ شیرازست و نسبت وی در تصوف بشیخ رکن‌الدین جوزی است و نسبت شیخ رکن‌الدین به خواجه محمد مراغی و نسبت وی بشیخ شهاب‌الدین سهروردی قدس‌الله تعالی ارواحهم - و آنچه مذکور شد منقول شد از سخنان خواجه عبدالله امامی اصفهانی است. اما مشهور آنست که سلسله مشایخ شیخ علی کلا بسیدی احمد رفاعی می‌رسد - قدس‌الله تعالی» ۱۰ و دنبال این حاشیه اسماعیل تبریزی بخط خود این توضیح داده است:

«هذه الحاشية خط مصنف هذا الكتاب الشريف قطب‌المشايخ و زبدة‌الاولياء مولانا فرید عصرها و وحید دهرها مولانا عبدالرحمن الجامی لازالت فضايه متزايدة و محامده مترادفه - حرره الفقير اسمعيل التبريزي.»

یعنی این تحریر اسماعیل تبریزی نیز در زمانی نوشته شده است که جامی هنوز زنده بود و مقام روحانیت و مشیخت او شناخته شده بود.

سفر این نسخه خطی از هرات تا اسلام‌آباد

شواهدی در دست است که این نسخه خطی در هرات کتابت شده است. و مدتی در ملك (عبدالله بن حسین بن منصور) بوده است. اما در اوائل قرن حاضر این نسخه به کتابخانه مشخص عبدالغفور فرقه مشر انتقال پیدا کرده و در چندین صفحات نسخه سهر این کتابخانه مورخ ۱۳۲۲ شمسی ثبت شده است. استادخلیلی سابق‌الذکر درباره کلمه «فرقه مشر» و شخص «عبدالغفور» بدینگونه بمن اطلاع داده است:

«فرقه مشر یعنی جنرال عسکری، مرکب است از دو کلمه: (فرقه) یعنی قطعه دسته - (مشر) کلمه پشتوست بکسر میم و سکون شین بمعنی بزرگ و رئیس - و فرقه در تشکیلات نظامی افغانستان مرکب از پنجهزار سوار و پیاده بود.

مرحوم عبدالغفور از ایل محمدزیی و مرد کتاب‌دوست و جنرال عسکری در هرات بود شاید قبل از سی چل سال وفات یافته».

وقتی من این نسخه خطی و خط جامی را به استادخلیلی نشان دادم بیدرنگ گفتند من این نسخه را و این خط را می‌شناسم. چندی پیش پسر عبدالغفور این نسخه را به آمریکا برده بود و بمن (خلیلی) نشان داده بود.

اینک این نسخه سرد و گرم روزگار را چشیده به اسلام‌آباد رسیده است و به دریای نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش پیوسته است. خدای تعالی آن را حراست فرماید.

عاریق نوشاهی

۱- مرحوم حکمت در کتاب (جامی) عکس حاشیه‌ای بخط جامی که آن حاشیه نیز بر صفحات‌الانس بوده، چاپ کرده است و در ص ۱۷۷-۱۷۶ آن کتاب راجع به این حاشیه توضیح داده است.

شاهنامه کی سالار

گذری به کیهیلویه باعث آشنائی با آقای عطا ماهری بویراحمدی که ذکر محامد و فضائلش را از احمد اقتداری شنیده بودم، شد. نشستیم و گفت و شنیدیم و لذت بردیم که مطلع است و دانا و بیداردل، ادیب و سخن‌دان.

از نوشته‌های او که چاپ شده و همه ساده و روان و بومی و دلنشین است دوره‌ای گرفتم و خواندم و از مراتب ذوق و حال او آگاه شدم. در سراسر آنها وصف کوههای بویراحمدی و جنگلهای بلوط و آداب و رسوم آن پهنه دیدنی مندرج است و مخصوصاً چون نویسنده کوشیده که مقداری از اصطلاحات محلی را در نوشته خود به‌کار برد ارزش دیگری به نثر خود بخشیده است.

هدف ماهری در نگارش همه این جزوه‌ها گسترش آموزش میان بیسوادان بوده.

۱. بخوان - کتاب

۲. کتابخانه چوپان

۳. میرو، فرزند کوهستان (۱۳۵۵)

۴. مشارکت و تعاون (شیرزاد از شوتاور) (۱۳۵۶)

۵. شاهنامه کی سالار (۱۳۵۶)

۶. اسپ‌سوار آبادی ما (۱۳۵۶)

۷. کی بانو (۱۳۵۷).

نمونه را «شاهنامه کی سالار»، از جزوه «سوغات شیراز» آورده می‌شود.

